

کسی را که زندانی می‌کنیم معمولاً به تمام خانواده او لطمه از همسر و فرزندان ضرر می‌رساند نه فقط به خود او و زندانی کردن او به همه آنها آسیب می‌رساند. این باید طوری شود که مجازات زندان فقط به شخص مجرم برگردد و او را کفر کند نه دیگران را و به اطرافیان لطمه نگذارد چون آنها بی‌گناه هستند. یکی از سیاست‌های کلی همین است زندان فقط به شخص مجرم توجه کند و اطرافیان آنها را در شرایط فقر، فسادها و مشکلات و غیره قرار ندهد. حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده

پرویز محمد نژاد

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

بخش نخست

مقدمه

در یک معنای ساده مرور زمان در حقوق کیفری در دو بخش جرم (تعقیب) و محاکمه (اجرای حکم) این است که با گذشت مدتی معین و مشخص جامعه از تعقیب متهم یا مجازات محکوم صرف‌نظر می‌کند. برای پذیرش مرور زمان در قانون ماهیتی و شکلی دلایل و عللی را مطرح نموده‌اند و این امر دارای فلسفه‌ای نیز می‌باشد اهم آن عبارت است از: ۱) وقتی جرم ارتکاب می‌یابد و مدت مدیدی سپری می‌شود و متهم مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد یا آنکه محکومی مورد مجازات قرار نمی‌گیرد اساساً پس از گذشت این زمان نسبتاً طولانی تعقیب و محکومیت و اجرای مجازات مرتکب جرم دارای نفع و فایده‌ای نمی‌باشد و جامعه از این اجرای مجازات سود نمی‌برد بلکه بعضاً از نگاه جامعه این شخص قابل ترحم نیز فرض می‌شود چرا که جامعه جرم ارتکابیش را فراموش کرده بود بنابراین مجدداً موضوع نهفته و فراموش شده را زنده کنیم جز آن که احساسات جامعه را مخدوش و لطمه خواهیم زد نفع دیگری نمی‌بریم.

۲) ما از مجازات کردن علاوه بر اهداف متمدنی هدف اصلاحی و تربیتی و بازپذیری مجرم را نیز دنبال می‌کنیم لذا در صورت ارتکاب جرم و گذشت مدت مدیدی از آن اساساً شاید این فرد به راه درست زندگی اجتماعی و فردی باز گشته باشد و دارای شغلی شرافتمند و زندگی خانوادگی سالمی نیز شده باشد بنابراین ما هدفی (اصلاحی) که از مجازات را تعقیب می‌کردیم بدون اجرای مجازات حاصل شده است لذا دیگر مجازات کردن چه سود دیگری خواهد داشت مگر آن که نتیجه عکس دهد و ریشه کینه و عداوت و انتقامجویی مجرم سابق را شعله‌ورتر نموده‌ایم کار دیگری نکرده‌ایم. ۳) نکته‌ی مهم دیگر اثبات چنین جرایمی است و در مواقعی که بلافاصله پس از ارتکاب جرم اقدام به تحقیق و اثبات آن می‌شود با مشکل مدارک و دلایل اثباتی مواجه می‌شویم لکن در صورتی که مثلاً جرمی در ده سال پیش حادث شده است واقعاً آیا دلایل و شواهدی برای اثبات آن قابل اعتماد است.

مرور زمان در حقوق کیفری (جرائم و مجازات‌ها) در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین ماهوی شکلی جزایی وجود داشت و مورد پذیرش و عمل قرار می‌گرفت اما پس از تشکیل نهادهای حکومتی در جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی هیچ‌گونه اشاره‌ای به مرور زمان در جرایم و مجازات‌ها نشده است. می‌توان گفت مقررات مربوط به مرور زمان تا قبل از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مجازات‌های عرفیه صریحاً یا ضمناً نسخ نشده و فقهای شورای نگهبان هم مغایرت آن را با شرع مقدس اسلام اعلام نکرده‌اند مفاد ماده‌ی مزبور در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ ه.ش (که بعداً توضیح‌اش می‌آید) اختصاص به مجازات‌های عرضی دارد و مجازات‌های شرعی مانند حدود، قصاص، دیات و تمزیراتی که نوع و مقدار آنها از طرف شارع مقدس تعیین شده است مسئول این قانون نمی‌باشد و مرور زمان در آنها جاری نمی‌شود.

مقررات مرور زمان در قبال از انقلاب اسلامی

مقررات و قواعد حاکم بر مرور زمان در جرایم و مجازات‌ها به طور عمده در قانون ماهوی جزایی ذکر شده بود و صرفاً نوع تصمیم‌گیری شکلی قضایی به طور خلاصه در قانون آیین دادرسی کیفری آمده بود؛

ماده‌ی ۵۰ مبدا مرور زمان را بیان می‌دارد، همچنین مرور زمان اجرای حکم و مبدا آن در مواد ۵۲ و ۵۳ آمده است. در ماده‌ی ۴۹ مرور زمان اقدام تعقیبی نسبت به جرم ارتكابی را موقوف می‌کند و حداکثر مدت مقصد زمانی را به شرح ذیل ذکر کرده بود؛

۱. پانزده سال برای جرمی که مجازات آن اعدام یا حبس دائم است.

۲. ده سال برای سایر جرایم جنایی

۳. پنج سال برای جنحه‌هایی که حداکثر مجازات آن‌ها سه سال حبس جنحه‌ای است.

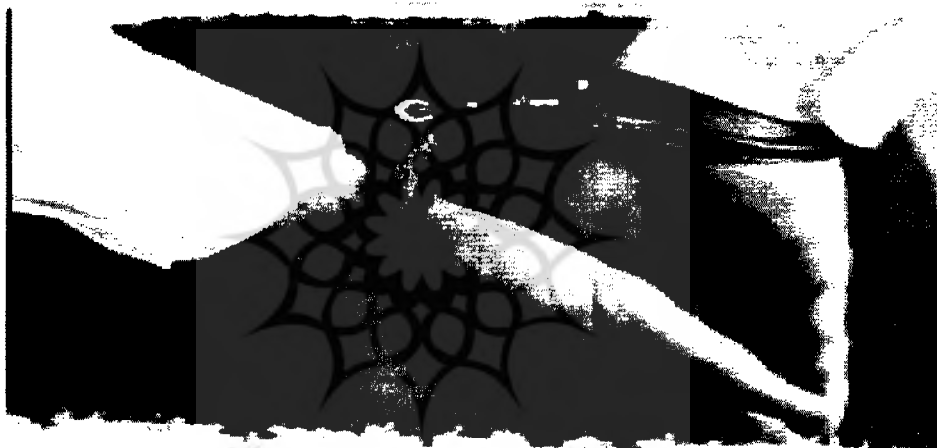
۴. سه سال برای سایر جنحه‌ها

۵. یک سال برای اعمال خلافی

در ذیل این ماده تصریح شده بود برای تعیین مرور زمان

■ بند اول: مرور زمان جرایم و مجازات‌ها در قانون ماهوی جزایی فصل نهم باب اول قانون مجازات عمومی مصوب هفتم خردادماه ۱۳۵۲ مرداد ۴۹ تا ۵۳ ذیل عنوان (تخفیف مجازات و سقوط تعقیب) اختصاص به مرور زمان جرایم و مجازات‌ها داشته بود.

لازم به ذکر است که در این قانون فصل دوم باب اول به انواع



اصل مجازات جرم بدون رعایت کیفیات مخففه یا مشدد مناط اعتبار است و به موجب ماده‌ی ۵۰ ابتدای مرور زمان تاریخ وقوع جرم می‌باشد. که در مورد جرایم مستمر (مانند ترک نفقه یا استفاده‌ی غیرمجاز از البسه‌ی نظامی) مبدا مرور زمان تاریخی است که استمرار قطع شده است. بنابراین بر فرض اگر شخصی مرتکب جرمی از درجه‌ی جنایت که مجازاتش در قانون اعدام بود می‌شد و از زمان وقوع آن جرم ۱۵ می‌گذشت متهم دیگر قابل تعقیب و مجازات نبود.

اما اگر پس از ارتکاب جرم و تا قبل از مواعید (مبدا) مذکور در بندهای پنج‌گانه ماده‌ی ۴۹ این قانون مرور زمان مرحله‌ی تعقیب قطع و اقدام به تحقیقات مقدماتی و تنظیم و صدور کیفرخواست و مآلاً محاکمه می‌شد و منجر به صدور رای قطعی می‌شد لکن این حکم در مدت زمان مشخصی به مورد اجرا گذارده نمی‌شد مشمول مرور زمان اجرای حکم قطعی گشته و دیگر اجرا نمی‌شد و به عبارتی مجازات و اجرای آن ساقط

جرایم و مجازات‌ها نیز اشاره شده بود و تقسیم‌بندی از آن‌ها ارایه شده بود که مبنای بسیاری از مقررات کیفری اعم از ماهیتی و شکلی آن زمان محسوب می‌شده است. بر اساس ماده‌ی (۷) جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع بود که عبارتند از: جنایت، جنحه و خلاف که ماده‌ی (۸) مجازات‌های اصلی جنایت را (اعدام، حبس ابد، حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۵ سال و حبس جنایی درجه‌ی دو از دو سال تا ۱۰ سال دانسته بود و در تبصره‌ی ذیل همین ماده و از سال ۱۳۵۲ اعمال حبس‌های جنایی توأم با اعمال شاقه لغو شد. همچنین ماده‌ی (۹) مجازات‌های اصلی جنحه را به قرار زیر بیان داشت: «حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا».

و ماده‌ی (۱۲) مجازات خلافی را جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال اعلام کرده بود.

ماده‌ی ۴۹ قانون فوق‌الذکر مرور زمان تعقیب جرم و

می‌شد که مرور زمان را به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات‌ها نیز معرفی نموده‌اند. ماده ۵۲ قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲) مرور زمان اجرای احکام قطعی را در مدت زمان مشخص و معینی پذیرفته و به شرح ذیل مقرر کرده بود:

۱- بیست سال برای حکم اعدام و حبس ابد

۲- پانزده سال برای حبس جنایی درجه‌ی یک و دو

۳- ده سال برای احکام حبس جنحه‌ای که مدت آن بیش

از یک سال باشد.

۴- پنج سال برای سایر احکام جنحه‌ای

۵- دو سال برای احکام خلافی

۶- پنج سال در مورد مجازات‌ها و اقدامات تامینی که مستقلاً مورد حکم قرار می‌گیرند. در صورتی که هرگاه اقدام تامینی ضمن حکم مجازات مقرر شده باشد تابع مرور زمان مجازات خواهد بود.

۷- سه سال در مورد حبس در دارالتأدیب و حبس در زندان کانون اصلاح و تربیت و مرور زمان سایر اقدامات تامینی مربوط به اطلاق نیز سه سال است مشروط به این که سن محکوم‌علیه به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد.

ضمناً ماده‌ی ۵۳ قانون به مبدا مرور زمان مذکور اشاره داشت به این شرح که: «مبدا مرور زمان اجرای مجازات تاریخ قطعی شدن حکم است و اگر اجرای مجازات شروع شده باشد مبدا مرور زمان از روزی شروع می‌شود که ادامه اجرا در نتیجه‌ی عمل محکوم‌علیه قطع شده باشد اگر اجرای تمام یا بقیه‌ی مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد مدت مرور زمان از روزی شروع خواهد گردید که مدت آن منقضی یا آن مانع رفع شده باشد. در موردی که اجرا مجازات بیش از یک نوبت قطع شود مدت مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع آغاز خواهد شد. در خصوص جزای نقدی تقسیط‌شده مرور زمان از تاریخ سررسید هر یک از اقساط پرداخت‌نشده و در مورد آزادی مشروط مرور زمان اجرای باقیمانده مجازات از تاریخ صدور حکم بازگشت محکوم به زندان شروع می‌شود.»

تذکره: لازم به ذکر است که فصل نهم (در تخفیف و تعلیق و اسقاط و تبدیل مجازات) باب اول قانون مجازات عمومی مصوب ۷ بهمن ماه ۱۳۴۰ ه.ش در مواد ۵۱ و ۵۲ به ترتیب مرور زمان تعقیب و مرور زمان حکم تصریح کرده است که به شرح ذیل می‌باشد:

ماده‌ی ۵۱- (هرگاه کسی مرتکب جرمی شده در مورد خلاف در ظرف یک سال در مورد جنحه در ظرف سه سال و در مورد جنایات در ظرف ده سال جرم او تعقیب نشده باشد دیگر تعقیب از مجرم نمی‌شود و اگر شروع به تعقیب شده و به جهتی موقوف مانده و مدت‌های مذکور منقضی شود دیگر

اعاده‌ی تعقیب نخواهد شد. مبدا مدت‌های مذکوره در صورت اولی از تاریخ ارتکاب و در صورت اخیر از تاریخ آخرین اقدام تعقیب محسوب است.)

ماده ۵۲- (هرگاه تعقیب جرم به عمل آمده و حکم مجازات نیز صادر شده ولی غیرمجری مانده باشد حکم مجازات مزبور در مورد خلاف بعد از دو سال و در مورد جنحه بعد از پنج سال و در مدت جنایت بعد از پانزده سال از روز صدور بلاثر خواهد بود و دیگر مجری نخواهد شد لیکن نتایج آن از قبیل محرومیت از حقوق باقی خواهد بود.)

■ بند دوم: مرور زمان جرایم و مجازات‌ها در قانون شکلی جزایی بند چهارم ذیل ماده‌ی (۸) قسمت مقدمه‌ی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۰ هجری شمسی به موضوع مرور زمان اشاره صریح نموده است. در صدر ماده‌ی (۸) آمده است:

تعقیب امر جزایی که از طرف مدعی‌العموم (دادستان) موافق قانون شروع شده، موقوف نمی‌شود مگر در موارد ذیل: ... (۴) در مواقعی که به واسطه‌ی مرور زمان در موارد تقصیرات عرفی موافق مقررات قانون مملکتی، تعقیب ممنوع است. بنابراین اگر منتهی تحت تعقیب قرار می‌گرفت ولی دفاع مرور زمان مندرج در ماده‌ی ۴۹ و ۵۰ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲) را در مقابل قاضی مطرح می‌نمود تعقیب کیفری متهم متوقف و قرار موقوفی تعقیب حسب مورد از سوی دادستان، بازپرس یا دادیار برای وی صادر می‌شد.

لازم به ذکر است بر اساس اصلاحات مرداد ماه ۱۳۳۷ در صورتی که در این زمینه قرار موقوفی تعقیب از سوی بازپرس صادر می‌شد به موجب بند ۷ ذیل ماده‌ی ۱۷۱ قانون مذکور قرار صادره موردنظر به تقاضای دادستان یا شاکی خصوصی قابل شکایت می‌بود که مهلت شکایت ده روز از روز اعلام یا ابلاغ قرار حسب مورد به دادستان یا شاکی خصوصی محسوب می‌شده است و به موجب ماده‌ی ۱۷۲ اصلاحی مردادماه ۱۳۳۷ این قانون مرجع شکایت از این قرار دادگاه استان مربوطه بوده است که تصمیم این دادگاه پس از رسیدگی به شکایت قطعی بود.

همچنین بر اساس قسمت دوم ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ ه.ش اسقاط حقوق عمومی (قرار موقوفی تعقیب نسبت به جرم) به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی‌شود و مدعی خصوصی یا همان متضرر از جرم می‌توانست نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم طرح دعوای خصوصی نموده و بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی جبران یا ترمیم خسارات و ضرر و زیان خود را

مطالبه یا خواستار شود.

مبحث دوم:

مقررات مرور زمان در جرایم و مجازات‌ها در نظام کیفری فعلی

بعد از انقلاب اسلامی و در اولین قانون جزایی اسلامی تحت عنوان قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ هیچ‌گونه اشاره‌ای به مقررات مرور زمان در باب جرایم و مجازات‌ها نشده است و اساساً رسیدگی و تعقیب جرایم و اعمال مجازات‌ها به هیچ وجه مشمول مرور زمان نشده و در هر زمانی قابل تعقیب و مجازات بود. تا آن که سیستم قضایی کشور

به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ به کلی متحول و تغییر کرد و دادرسی‌های عمومی و انقلاب و همچنین دادگاه‌های اختصاصی و درجه‌ای بجز دادگاه‌های انقلاب از تشکیلات دادگستری حذف شد.

لکن تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جز آنچه در این قانون صراحتاً ذکر شده بود بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ ه.ش عمل می‌شد تا آنکه در مهر ماه ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب و همچنین دادگاه‌های تجدیدنظر استان مورد تصویب قرار گرفت و با وجود تصویب اصلاحاتی در احیاء دادرسی‌های عمومی و انقلاب در حال حاضر روند تعقیب و تحقیق و رسیدگی بر اساس قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و

انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸) می‌باشد.

از نکات جالب توجه و مهم این قانون پذیرفتن مرور زمان هم در جنبه‌ی تعقیب و هم در زمینه‌ی اجرای حکم می‌باشد که در بند (۶) ماده‌ی ۶ و مواد ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵ و ۱۷۶ آن آمده است. در واقع مقررات ماهوی مرور زمان که در قبل از انقلاب اسلامی در قانون مجازات عمومی ذکر شده بود در این قانون در فصل ششم باب اول یعنی در قانون شکلی بیان شده است و در باب کلیات قانون مذکور یعنی بند ششم ماده‌ی (۶) به نحوه‌ی تصمیم‌گیری شکلی در مورد مرور زمان اشاره دارد و به عبارتی تمامی احکام و مسایل مرور زمان در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است.

■ بند اول: نحوه‌ی تصمیم در مرور زمان:

بند ششم ذیل ماده‌ی (۶) قسمت کلیات قانون آیین

دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) به موضوع مرور زمان اشاره واضح دارد. در صدر این ماده آمده است: تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی‌شود مگر در موارد زیر: ... ششم) مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده. لذا اگر شخصی تحت پیگرد قرار گیرد ولی در صورتی که مشمول مقررات مندرج در مواد ۱۷۳ یا ۱۷۴ قانون مذکور شود دفاع وی در صورت احراز پذیرفته‌شده و تعقیب جزایی متهم متوقف و قرار موقوفی صادر می‌شود. همچنین با توجه به اصلاحات سال ۱۳۸۱ در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ایجاد دادرسی‌های عمومی و انقلاب به موجب بند (۱) ذیل قسمت

(ن) ماده‌ی (۳) این اصلاحیه قرار موقوفی تعقیب صادره از سوی مقام‌های قضایی دادسرا که مستند آن مرور زمان می‌باشد به تقاضای شاکی خصوصی قابل اعتراض دانسته شده است که در قسمت اخیر بند (ن) اعتراض به این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ آن می‌باشد. البته چنانچه نتیجه‌ی قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجراء می‌شود.

همچنین بر اساس بند (ک) ذیل ماده‌ی (۳) اصلاحی در صورتی که قرار موقوفی تعقیب صادره از سوی بازپرس باشد دادستان مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه و نظر خود را اعلام دارد و بر اساس قسمت اخیر بند (ل) ذیل ماده‌ی (۳) اصلاحی در صورتی که دادستان با قرار موقوفی تعقیب بازپرس که با اعتقاد به وجود مرور زمان صادر شده بود موافقت

نکند از جمله موارد حدوث اختلاف فی‌مابین دادستان و بازپرسی بوده که رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی یا انقلاب محل به عمل می‌آید که موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود. همچنین بر اساس ماده‌ی ۷ و قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) اسقاط حقوق عمومی (قرار موقوفی تعقیب نسبت به جرم) به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی‌شود و مدعی خصوصی یا همان متضرر از جرم می‌تواند نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم طرح دعوی خصوصی کرده و بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی جبران یا ترمیم خسارت و ضرر و زیان خود را مطالبه یا خواستار شود.

ادامه دارد

■ **مبدا مرور زمان اجرای مجازات تاریخ قطعی شدن حکم است و اگر اجرای مجازات شروع شده باشد مبدا مرور زمان از روزی شروع می‌شود که ادامه اجرا در نتیجه‌ی عمل محکوم‌علیه قطع شده باشد اگر اجرای تمام یا بقیه‌ی مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد مدت مرور زمان از روزی شروع خواهد گردید که مدت آن منقضی یا آن مانع رفع شده باشد**